

کامینو

مانی محسنی

در دنیای تخیلی فیلم‌های استار وارز، سیّاره‌ای وجود دارد به اسم کامینو؛ کامینو سیاره‌ای است که همواره هوای آن بارانی است. کاش در زمین هم مثل کامینو همیشه باران ببارد؛ آنگاه گریه‌ی انسان‌ها برای همیشه پنهان می‌ماند و همه می‌توانستند به راحتی گریه کنند.

گاهی گریه یک نیاز است، وقتی که زبان، توانایی گفتن و مغز توانایی فکر کردن ندارد، فقط به یک عمل فرمان می‌دهد و آن هم گریه است. از قدیم می‌گویند: مرد که نباید گریه کند، ولی مگر می‌شود گریه نکرد، گریه با کم کردن فشار افکار و بار روانی مشکلات، درون انسان ایجاد آرامش می‌کند.

بسیاری از ما نیاز به گریه داریم، کاش می‌شد هر زمانی که لازم است گریه کرد و هیچ‌وقت جلوی احساسات خود را نگرفت، اما بسیاری فکر می‌کنند گریه کار انسان‌های ضعیف است؛ گریه نه تنها کار انسان‌های ضعیف نیست بلکه کاملاً برعکس است، انسانی که گریه می‌کند قدرت بروز دادن احساسات خود را دارد.

هرگاه پرسشی درباره سخت‌ترین کار دنیا مطرح می‌شود، پاسخ کلیشه شده، کار در معدن است، اما من معتقدم سخت‌ترین کار دنیا ابراز درست احساسات است، چه کاری سخت‌تر از آن که وقتی کسی را دوست داریم،

به او بگوییم که مدت زیادی است که از او خوشمان می‌آید و این برای ما تبدیل به یک راز شده، اینکه در هر زمان و مکان، فکر او را در سر داریم، مدتی است که در فراق او شب‌ها گریه می‌کنیم و غمگین‌ایم .

درد، دو نوع جسمانی و روحی دارد، دردهای جسمانی یا روزی بهبود می‌یابند یا در نهایت، موجب مرگ افراد می‌شوند اما دردهای روحی کاملاً متفاوت‌اند، برای این نوع درد، هیچ پایانی به جز گریه وجود ندارد، گریه همانند نوشدارویی است که به موقع به روح سهراب‌نمای ما می‌رسد، گریه باعث آرامش درد زخم‌های عاطفی ما می‌شود.

جایی خواندم که هرگاه باران می‌بارد، انگار آسمان دارد به انسان شکست- خورده‌ای که غرورش اجازه نمی‌دهد گریه کند، کمک می‌کند تا گریه کند و در حین بارش باران، گریه‌اش را مخفی نگه دارد؛ کاش همیشه باران می‌بارید تا انسان‌های مغرور، می‌توانستند آزادانه گریه خود را زیر قطرات باران مخفی کنند و خود را از رنجی که مدت‌ها به روح خود تحمیل کرده‌اند، رها سازند.

پایان